# نسیم جنوب

www.nasimjonoub.com

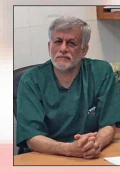
سال بیست و هفتم – شماره ۱۰۹۳

دوشنبه ۱۹ شهریور ۱۴۰۳   ۸ صفحه – ۵۰۰۰ تومان

(مبلغ فروش به کیوسک مطبوعاتی تعلق می‌گیرد)


# اعتراض به حذف سهمیه ۱۰۰ درصدی نیروهای بومی استان بوشهر در پارس جنوبی





**صدای اعتراض ناراضی‌ها را بشنوید**

دکتر عبدالرحیم مهرور



**آرامش ذهن با دست کشیدن از کنترل این ده چیز**

حسین زیرراهی



**هراس ایرانیان از مُدرنیته**

سعید معدنی



**حاکمیت دوگانه، مشکل مدیریتی استان بوشهر**

یونس خسروانی



**بوشهر نیازمند کدام استاندار؟**

حسین صداقت



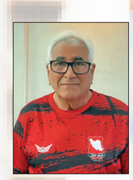
**شاخص‌هایی برای انتصاب استاندار آینده بوشهر**

مصطفی خرمی



**دیپلماسی گردشگری و ضرورت توسعه ملی**

منصور حاجی‌پور



**خوش‌شانس بودم که پیراهن ایرانجوان را پوشیدم**

فرهاد امینی



**«زنان تنگستانی»؛ رزمندگان بی‌نشان رئیسعلی دلواری**

سیدقاسم یاحسینی

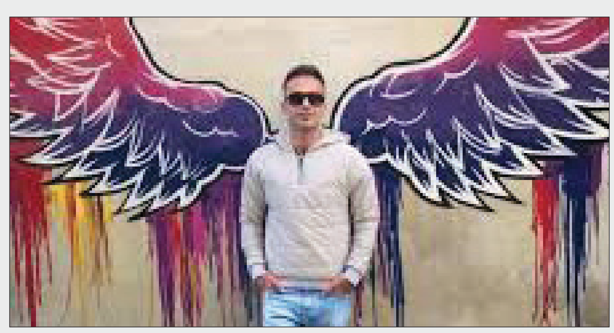


**جناب رئیس‌جمهور، رانت را ریشه کن کنید**

دکتر امان‌الله شجاعی

در سوگ پرهام هوشمند هنرمند جوان دیّری

## آقای عکاس سلام، کجا با این عجله...



# اعتراض به حذف سهمیه ۱۰۰ درصدی نیروهای بومی استان بوشهر در پارس جنوبی

شرکت مجتمع گاز پارس‌جنوبی با آوردن دلایلی عجیب برای جذب نیروهای غیربومی در قالب یک آزمون، زمینه حذف بیشتر نیروهای بومی استان بوشهر را به شکل غیرمستقیم فراهم کرده است.

به گزارش ایرنا؛ سال گذشته و در ۱۷ مرداد ماه خبر جذب و استخدام ۸۵۸ نیروی مورد نیاز شرکت مجتمع گازی پارس جنوبی به شکل کامل و ۱۰۰ درصدی از بین نیروهای بومی استان بوشهر، شور و شوقی وافر برای دانش آموختگان این استان در رشته های مرتبط با نیازسنجی این شرکت ایجاد کرد.

این آزمون که در ابتدا در یکی از دانشگاه های تهران قرار بود برگزار شود با ورود مسئولان استان بوشهر به دانشگاه خلیج فارس (بوشهر) تغییر مکان داد تا چهار هزار داوطلبی که نام نویسی کرده اند بتوانند در این آوردگاه در ۳۱ شهریورماه سال ۱۴۰۲ شرکت کنند.

پس از چندی و در اوائل آبان ماه ۱۴۰۲ نتایج آزمون اعلام و با اعلام پذیرش ۱۵ نفر از بین سه هزار و ۱۰۰ شرکت کننده برای دعوت به مصاحبه و گزینش، بهت و حیرت نه تنها شرکت کنندگان که مسئولان استانی را در پی داشت. پیگیری ها در آن زمان نشان داد که سوالات این آزمون در حد بالا و خارج از توان شرکت کنندگان طراحی و با در نظرگرفتن استانداردهایی برای تعیین سطح قبول شدگان زمینه عدم جذب شرکت کنندگان فراهم شده است.

اعتراض های وسیع به نتایج سبب شد که شرکت مجتمع گازی پارس جنوبی در مقابل خواسته به حق معترضین کوتاه بیاید و با تغییر روند شرایط جذب، زمینه بکارگیری ۳۲۳ نفر از نیروهای بومی را ایجاد کند که همین شرایط نیز مورد نظر مدیران استانی و سایر شرکت کنندگان قرار نگرفت.

با وسیع شدن دامنه اعتراضات به عملکرد شرکت مجتمع گازی پارس جنوبی، نه تنها مسئولان استان بوشهر بلکه بخشی از مدیران نفتی مرتبط با حوزه اشتغال در استان وعده دادند که در یک آزمونی دیگر فقط از بین نیروهای بومی بوشهری مطابق با ۵۲۵ مجوز باقیمانده از ۸۵۸ مجوز دریافت شده، زمینه جذب نیروهای بومی را به شکل ۱۰۰ درصدی فراهم کنند.

اما ناگهان روابط عمومی شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی از قول احمد باهوش مدیرعامل این شرکت خبر داد: آزمون برای جذب ۵۲۵ نفر باقیمانده از کسری مجوز ۸۵۸ نفری روز ۲۳ شهریور سال جاری برای داوطلبان پنج استان توسط دانشگاه امیر کبیر تهران انجام خواهد شد.

در این خبر اعلامی نکته اساسی حذف سهمیه ۱۰۰ درصدی بومیان استان بوشهر با شریک کردن چهار استان دیگر برای استخدام وجود دارد که بر خلاف گفته های اولیه مدیران شرکت مجتمع گازی پارس جنوبی که در سال گذشته وعده داده بودند که کسری ۸۵۸ نفری را فقط از بین نیروهای بومی استان بوشهر گزینش می کنند اینک چهار استان دیگر نیز دخیل کرده اند ضمن این که با تغییر محل آزمون از بوشهر به تهران با توجه به هزینه های فراوان رفت و آمد و اسکان، بخشی از جوانان بومی استان بوشهر به دلیل بعد مسافت و نداشتن استطاعت مالی امکان حضور در آزمون از آنها سلب می شود.

نکته دیگر نیازهای اعلام شده توسط شرکت مجتمع گازی پارس جنوبی برای جذب و بکارگیری نیروی انسانی در این شرکت برای




رشته هایی مانند مهندسی مکانیک، مهندسی برق، مهندسی الکترونیک/ ابزار دقیق و آتش نشان/ آتش نشان راننده است. رشته هایی که بخشی از آن در دانشگاه خلیج فارس(بوشهر) بیش از ۲ دهه در حال پذیرش دانشجو است و سالانه بخشی از افرادی که در آن فارغ التحصیل می شوند در دوره های تکمیلی در بهترین دانشگاه های ایران پذیرفته می شوند.

چند سوال : آیا دانشگاه خلیج فارس(بوشهر) آن قدر ناتوان و دارای سطح علمی پایین است که نمی تواند بعد از یک دوره چهارساله چند نفر دانش آموخته تربیت کند که سواد پذیرش در آزمون شرکت مجتمع گازی پارس جنوبی داشته باشند و یا دانش آموختگان بوشهری در دانشگاه های تراز اول ایران نیز همین قدر بی سواد هستند؟ طبیعی است که این گونه نیست.

به گواه ساختارهای مرتبط با سطح بندی های وزارت علوم از دانشگاه‌های تیپک ایران، دانشگاه خلیج فارس یکی از دانشگاه های معتبر در حوزه آموزشی ایران به شمار می رود.

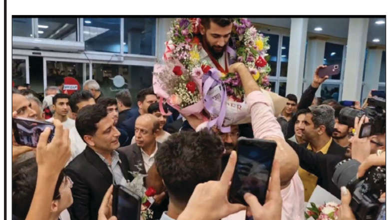
پس این موضوع نشان می دهد که درد از بی سوادی دانش‌آموختگان بوشهری و به خصوص دانش‌آموختگان دانشگاه خلیج فارس نیست بلکه باید در جای دیگر جستجو کرد که زمینه حذف ۱۰۰ درصدی نیروهای بومی در این آزمون و شرکت دادن چهار استان دیگر را ایجاد کرده است.

نکته دیگر این که آیا در استان بوشهر آتش نشان و راننده آتشنشانی که مورد نیاز این شرکت است نیز در بین متقاضیان بوشهری یافت نمی شود که شرکت مجتمع گازی پارس جنوبی برای جذب دست به دامان چهار استان دیگر شده است؟

اگر مدیران شرکت مجتمع گازی پارس جنوبی فکر می کنند که مسئولان و نمایندگان استان بوشهر در مجلس شورای اسلامی به خواب خوش رفته اند و آنها می توانند بر خلاف منافع مردم این استان و به خصوص جوانان تحصیل کرده گام بردارند و هیچ فرد جلودار آنها نیست به شدت اشتباه می کنند و بدانند که شعار رئیس جمهور پزشکیان عدالت و انصاف است و به آنها اجازه بی عدالتی نمی دهد.

از بزرگان استان بوشهر، مدیریت ارشد و نمایندگان استان در مجلس شورای اسلامی انتظار می رود تا فرصت باقی است زمینه فقط جذب ۱۰۰ درصدی نیروهای بومی استان در این آزمون فراهم سازند و اجازه ندهند حق جوانان تحصیل کرده استان پایمال شود.

## استقبال باشکوه بوشهری‌ها از دارنده مدال برنز پارالمپیک



بوشهری‌ها با حضوری پرشور و پرهیاهو از علیرضا بخت دارنده مدال پارالمپیک پاریس استقبال کردند.

رئیس هیات تکواندو استان بوشهر درحاشیه این آیین در گفت و گو با ایرنا اظهار کرد: این اجتماع پرشور متشکل از مسئولان و مردم ورزش دوست استان به خوبی اهمیت کار علیرضا بخت را نشان می‌دهد.

سیدجلال سید مردانی افزود: اهمیت برنز علیرضا بخت به اندازه نشان طلا ارزش دارد چرا که در این مسیر سختی و تمرین‌های زیادی متحمل شده است. بخت با همت و پشتکار بالایی که دارد بدون تردید می‌تواند در المپیک ۲۰۲۸ نشان خوشرنگ طلا بر گردن بیاویزد.

سید مردانی عنوان کرد: هیات تکواندو استان بوشهر به خود مفتخر است که چنین جوانان شایسته و رعنایی در قامت قهرمان ملی دارد.

وی بیان کرد: این هیات در ادامه نیز با تمام توان از بخت حمایت خواهد کرد تا بتواند مسیر ارزشمند قهرمان در میدان‌های ملی و بین‌المللی را با اقتدار نشان طی کند.

## عیادت استاندار بوشهر از استاد ایرج صغیری؛ ناخدای فرهنگ و هنر



استاندار بوشهر از ایرج صغیری، خالق نمایشنامه «قلندرخونه» و هنرمند پیشکسوت که در پی بیماری در بیمارستان بستری شده است، عیادت کرد و در جریان آخرین وضعیت روند درمانی وی قرار گرفت.

به گزارش خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) در بوشهر، احمد محمدی‌زاده در این دیدار با تجلیل از خدمات استاد صغیری گفت: چندین دهه، مردم استان بوشهر از هنرنمایی استاد صغیری روی صحنه لذت برده‌اند و این هنرمند، افتخاری برای هنر و فرهنگ استان است.

به عقیده وی، استاد صغیری، الگوی خوبی برای هنرمندان جوان استان است. امیدوارم که جناب صغیری با بازیابی کامل سلامتی، در تربیت هنرمندان جوان استان و کشور همچون گذشته تاثیرگذار باشد.

ایرج صغیری نیز در این دیدار با تقدیر از حضور استاندار و توجه وی به فرهنگ و هنر خواستار توسعه و تجهیز فرهنگسراها و مجتمع‌های فرهنگی هنری در نقاط مختلف استان شد. وی بر لزوم راه‌اندازی سالن پلاتو مجهز و استاندارد در شهرهای استان تاکید کرد.

احمد محمدی‌زاده پس از عیادت از استاد ایرج صغیری، در خصوص نحوه درمان پدر تئاتر بوشهر با رئیس بیمارستان و کادر درمان صحبت کرد و خواستار رسیدگی کامل به وی شد.

ایرج صغیری متولد اول آذر ۱۳۲۵ در بوشهر بازیگر، کارگردان، نمایشنامه‌نویس و داستان‌نویس جنوبی است. او با بازی در نقش ابوذر در تئاتری که با همکاری داریوش ارجمند و نظارت علی شریعتی در دانشگاه فردوسی و حسینیه ارشاد اجرا شد، توانست مهارت خود را به نمایش بگذارد و به محبوبیت دست یابد. نمایشنامه «قلندرخانه» از آثار او به عنوان اثر شایسته تقدیر بیستمین دوره جایزه کتاب فصل شناخته شد.

از دیگر آثار وی می‌توان به «خالو نکیسا، بنات النعش و یوزپلنگ»، «خلخال شوم»، «محپلنگ»، «آواز تیتروها» و... اشاره کرد.

## دادگاه تجدید نظر بوشهر حکم زندان محسن عمرانی، معلم و فعال صنفی را تایید کرد



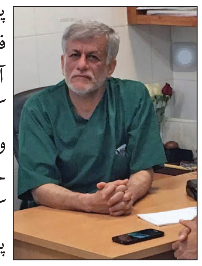
محسن عمرانی، عضو هیئت مدیره کانون صنفی معلمان بوشهر در دادگاه تجدید نظر این استان به شش ماه حبس محکوم شد.

دادگاه انقلاب بوشهر پیشتر محسن عمرانی را به اتهام «تبلیغ علیه نظام» به تحمل یک سال حبس محکوم کرده بود. انتشار مطالبی در فضای مجازی از مصادیق اتهام مطروحه علیه این قعال صنفی معلمان عنوان شده است.

بر اساس گزارش کانون صنفی معلمان بوشهر، محسن عمرانی همراه با سه عضو دیگر کانون کمتر از پانزده روز پیش در پرونده دیگری به پرداخت ۹۶۰ میلیون ریال جریمه‌ی نقدی محکوم شده‌اند.

# صدای اعتراض ناراضی‌ها را بشنوید

**دکتر عبدالرحیم مهرور**– متخصص بیهوشی بوشهر



پزشکان، کارفرمایان، کارخانه‌داران و فرهنگیان زمانی در چرخه درمان، تولید و آموزش جامعه موفق هستند که پرستاران، کارگران و آموزگاران در حاشیه امن شغلی و رفاهی باشند و در غیر این صورت هرگز جامعه ما راه سعادت را نه تنها طی نخواهد کرد بلکه به قهقرا می‌رود و اگر اکنون پیگیر نباشیم فردا دیر است گرچه امروز هم از قافله مدیریت کشور داری با کج اندیشی‌های بی‌مورد جا مانده‌ایم.

راستی مدیریت کشور چگونه می‌تواند همه اقشار جامعه را با ترازوی عدالت تحت پوشش و مدیریت خود قرار دهد؟ زیرا مدیریت هنری است که همه افراد نمی‌توانند از آن بهره مطلوب ببرند چون که بخش عظیمی از آن اکتسابی بوده و بیشتر در مرحله عملی تحقق می‌یابد.

انسان‌هایی اصولا در مدیریت موفقند که درک ویژه‌ای از زیرمجموعه خود داشته باشند و برای بدست آوردن این درک نیاز به عاطفه و مردم سالاری است که باید در ذات و سرشت انسان باشد.

آقایان استاندار و مسئولین مربوطه؛ مگر میشود تفاوت‌ها و تبعیض های




حقوقی در یک صنف را دید و سکوت کرد؟

هنر مدیریتی شما این نیست که نسبت به بحران‌ها و نارضایتی جامعه بی تفاوت باشید بلکه متعهد شده‌اید که به جمع و استقبال نارضایتی‌ها رفته و آن‌هایی را که حتی اگر مخالفین شما هستند صدای اعتراض‌شان را گوش و دعوت به آرامش کرده و با پذیرایی در محل کارتان از آن‌ها دلجویی نموده و خود را جزیی از آن‌ها بدانید نه این‌که با تندی و بی‌مهری با آن‌ها برخورد شود.

مگر این ناراضیان فرزندان این مرز و بوم نیستند؟

مگر نمی‌دانید که قشر عظیم این کشور مدیون ایثارگری جامعه پرستاری، کارگری و فرهنگی کشور است؟

اصولا زیر بنای یک جامعه وابستگی محض به زندگی درمانی، کارگری و تربیتی افراد خاصی مثل این سه قشر عظیم زحمت‌کش دارد که در تمام خانواده‌ها حداقل یک قشر از این افراد بی آلایش وجود دارد. مگر نمی دانید که این قشر عظیم جامعه ما از بی عدالتی، تبعیض و رانت خسته شده اند زیرا هیچ‌کس دلش نمی‌خواهد و حتی توانایی آن‌را هم ندارد که خود و خانواده‌اش را به دردسر اندازد. اما بدانید که عرصه زندگی برای این سه قشر خدوم آن‌چنان سخت شده و کارد به استخوان‌شان رسیده که حاضرند دست به تحصن و اعتراض زده و یا بالاجبار جلای وطن کنند.




# هراس ایرانیان از مُدرنیته

**سعید معدنی** (دکترای جامعه‌شناسی و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی)



هم‌راستای پنجمین همایش کنکاش‌های مفهومی و نظری دربارهٔ جامعهٔ ایران

۱. مهم‌ترین ویژگی جامعه ایران در تاریخ معاصر چیست؟

اگر تاریخ معاصر را بازه زمانی یکصد سال اخیر در نظر بگیریم، به باور من مهم‌ترین ویژگی جامعه ایران «هراس از مدرنیته» است که در هر دوره و زمانی به نحوی ظهور و بروز پیدا کرده است. واکنش اکثریّت جامعهٔ ایرانی مقابل این دستاورد بشری منفی و یا منفعلانه بوده است. گاهی از آن به عنوان «فرنگی و فرنگی‌مآب» یاد شده و یا در مفهوم «غرب و غربزدگی» نمود و بروز پیدا کرده است. این نوع برخورد با مُدرنیته و ترس و واهمه از آن موجب عقب‌ماندگی تدریجی جامعهٔ ما شده است. این در حالی است که برخی کشورهای آسیایی مثل ژاپن و کره و مالزی و سنگاپور و ... با این پدیده سنجیده و عقلانی‌تر برخورد کرده و از آن در جهت توسعه و پیشرفت کشورشان سود برده‌اند. از همان سال‌های نخست، ظهور مدرنیته که دستاورد بشری – به دست غربی‌ها – بود، ما با این پدیده به صورت مشکوک برخورد کردیم و اکثریّت جامعه از نمادها و نمودهای آن هراس داشتند؛ برای مثال، با مجلس قانون‌گذاری مخالفت می‌شد و یا با وسایل ارتباط جمعی مثل روزنامه، رادیو، تلویزیون، ماهواره و فضای مجازی از سوی بخش سنتی جامعه ایران مخالفت می‌شد و از آن هراس داشتیم و داریم. البته عناصری همیشه بودند که با مدرنیته عقلانی برخورد می‌کردند اما در اقلیت بوده و در مصاف با اکثریّت سنتی «ضدّ مدرنیته» توان مقابله نداشتند. به نظر می‌رسد در سال‌های اخیر، گسترهٔ این «هراس» در بخش‌هایی از جامعه کاهش پیدا کرده و نسل امروز مدرنیته را امری جهانی دانسته و معادل غربزدگی نمی‌دانند.

۲. مهم‌ترین تغییرات اجتماعی ایران معاصر از دید شما کدام است؟

به باور من سه تغییر مهم در چند دههٔ اخیر در ایران رخ داده‌اند:

اول، مهاجرت از روستا به شهر و گسترش شهرنشینی و فرهنگ شهری. حتی بسیاری از روستاها به واسطهٔ وجود شبکه‌های ارتباطی و اجتماعی، در برخی ابعاد از فرهنگ و امکانات شهری برخوردارند.

دوم، افزایش تحصیلات به‌ویژه تحصیلات تکمیلی به واسطهٔ گسترش دانشگاه‌های مختلف در ایران پس از انقلاب اسلامی. گسترش بی‌رویهٔ دانشگاه‌ها به باور کارشناسان، گرچه بعضاً موجب کاهش کیفیّت دانشگاه شده، اما باز هم در بسیاری از تحولات سیاسی، اجتماعی دهه‌های اخیر نقشی تاثیرگذار داشته است.

دو عامل افزایش تحصیلات عالیه و رشد شهرنشینی تغییر سوم «کاهش نرخ باروری و کاهش رشد جمعیت» را به‌وجود آورده‌اند. نکته قابل توجه این است که روند کاهشی جمعیت و گسترش شهرنشینی در ایران شبیه کشورهای صنعتی و توسعه‌یافته است.

۳. چه مفهومی مهم‌ترین خصوصیّت تغییرات اجتماعی ایران را وصف می‌کند؟

مهم‌ترین خصوصیّت تغییرات اجتماعی در ایران معاصر به باور من به شکل خیلی بطیء و زیرپوستی، گسترش تدریجی نوعی «سکولاریزم» در میان اقشار و لایه‌های مختلف جامعهٔ ایران است که از چند دهه قبل شروع شده و در حال گسترش است. به نظر می‌رسد این پدیده در تحوّلات اجتماعی آیندهٔ ایران نقشی تاثیرگذار داشته باشد. این نوع باور هم در بین دانشگاهیان، هم حوزوی‌ها هم دیگر بخش‌هایی از جامعه در حال گسترش است.

۴. روندهای اصلی تغییرات اجتماعی کنونی ایران کدام‌اند؟

ـ بالارفتن تحصیلات مردم، بویژه تحصیلات زنان؛

ـ حضور و فعّالیّت اجتماعی روزافزون و قدرتمند زنان، به‌رغم همهٔ محدودیّت‌ها و موانع موجود؛

ـ بالا رفتن سن ازدواج؛

ـ کاهش فرزندآوری و کاهش بُعد خانوار؛

ـ آشنایی روز افزون با جوامع دیگر و بالا رفتن آگاهی و اطّلاعات عمومی، به واسطهٔ مسافرت به سایر کشورها و یا حضور در شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی؛

۵. برای شخص شما کدام خصوصیت این تغییرات، امیدآفرین و کدام، بیم‌آفرین‌اند؟

برای شخص من حضور اجتماعی زنان است که می‌تواند نویدبخش جامعه‌ای پویا در آیندهٔ ایران باشد. همان نقشی را که زنان پس از جنگ جهانی دوم در کشورهای صنعتی و توسعه‌یافتهٔ اروپا بازی کردند.

در مقابل، احساس بی‌آیندگی، فرسودگی و ناامیدی در بین جوانان به واسطهٔ گسترش فقر و سقوط تدریجی طبقهٔ متوسّط به طبقهٔ محروم، یکی از نگران‌کننده‌ترین دغدغه‌های جامعهٔ ایران است که باید برای آن چاره‌ای اندیشیده شود.

@iran_sociology

## زندگی آگاهانه

# آرامش ذهن با دست کشیدن از کنترل این ده چیز

**حسین زیرراهی**–مدرس مهارتهای توسعه فردی



۱. پیری و متعلقات آن

پیر شدن فرآیند طبیعی حیات است و قابل کنترل نیست. حداکثر کاری که مبارزان در راه جوان‌سازی می‌کنند تغییر پوسته و ظاهر است. بجای کارهای مصنوعی به ورزش، تغذیه و خواب خود برسید تا جوان‌تر از سن خود باشید و ذهنتان هم در آرامش باشد.

۲. مسائل جهانی: ما به تنهایی تقریبا هیچ تاثیری بر مسایل جهانی نداریم. اگر نگران گرم شدن زمین، گرسنگی انسانها، جنگ و غیره هستید حداکثر می‌توانید مصرف انرژی خود را کاهش دهید، زباله نریزید، به موسسات خیریه پول کمک کنید و در تظاهرات ضد جنگ شرکت کنید.

۳. اتفاقات غیر منتظره: اتفاقات ناگوار به صورت مداوم برای همه رخ می‌دهد و تقریبا در کنترل کسی نیست. چون نتیجه اعمال دیگران یا محیط است. بنابراین تلاش برای حذف یا کم کردن آن ره به جایی نمی‌برد. فرزند شما شیر را روی لباس کارتان می‌ریزد و ماشین‌های دیگر به ماشین شما می‌زنند. بنابراین به جای جلوگیری از این رخدادها سعی کنید بعد از آن بهترین تصمیم را بگیرید.

۴. تغییر: هستی به صورت مداوم در حال تغییر است و زندگی انسان هم همین‌طور. اتفاقا هرچه جلوتر می‌رویم سرعت تغییر زیادتر می‌شود. به‌جای مقابله با تغییر سعی کنید با آن همراه شوید و حتی به استقبال تغییرات بروید تا بیشترین نتایج را از آن بدست بیاورید.

۵. تصمیمات زندگی دیگران: ما کنترلی روی تصمیمات اطرافیان حتی خانواده خود نداریم. حداکثر می‌توانیم بر آن‌ها اثر بگذاریم. بنابراین فرزند یا همسر شما ممکن است تصمیماتی بگیرند که خوشایند شما نباشد. پس به‌خاطر سلامت ذهن و آرامشتان سعی نکنید تصمیمات دیگران را کنترل کنید.

۶. احساسات شما: احساسات شما نتیجه فرآیندهای داخلی مغز و رخدادهای بیرونی و در کنترل شما نیست. احساسات نشانه‌اند و زودگذر. به ما می گویند شرایط خوب است یا نیست. ولی خود احساسات نه خوبند نه بد. پس هیچ اشکالی ندارد فلان احساس را داشته باشید. ولی با تلاش برای کنترل احساسات وارد جنگی می‌شوید که بازنده اصلی شما هستید.

۷. احساس و نگرش دیگران در مورد شما: تلاش برای کنترل نگرش و احساس دیگران در مورد شما نه تنها به جایی نمی‌رسد که زندگی را هم برایتان دشوار می‌کند. بگذارید دیگران هر طور که می‌خواهند در مورد شما فکر کنند.

۸. هوای بد، بلایای طبیعی: ممکن است برایتان خنده‌دار باشد که کسی بخواهد شرایط آب و هوایی را کنترل کند. ولی همه ما تقریبا از صبح تا شب داریم در مورد گرما و سرمای هوا صحبت می‌کنیم یا غر می‌زنیم و حتی بد و بیراه هم می‌گوییم. این عادت فقط آرامش ذهن شما را به هم می‌ریزد.

۹. آینده: آینده هم در کنترل هیچ‌کس نیست. می‌توانید امروز تلاش کنید که آینده بهتری داشته باشید ولی خیلی از عوامل موثر بر آینده در کنترل شما نیست. دست از تلاش برای کنترل آینده بردارید تا اضطراب کمتری تجربه کنید.

۱۰. مرگ: تلاش برای پیشگیری از مرگ خود و اطرافیان زندگی را بر شما و آنها تلخ می‌کند. در واقع با این کار لذت زندگی را از خود می‌گیرید. ضمن این‌که نتیجه‌ای هم نخواهد داشت. به جای آن سعی کنید سالم زندگی کنید و از تجربه زندگی لذت ببرید.

# حاکمیت دوگانه، مشکل مدیریتی استان بوشهر

**یونس خسروانی**



این‌که چه کسی استاندار باشد چقدر مهم است؟ این شخص با آن شخص در این جایگاه چه تفاوتی با هم دارند؟! همه می‌دانید استان بوشهر یک استان کم‌جمعیت اما ثروتمند است. ثروت‌های استان را ثروت خدادادی، ثروت ژئوپلیتیک و ثروت انسانی شامل می شوند.

حال سوال این‌جاست که چرا توسعه چنین استانی متوازن نیست و نیروهای انسانی آن در سطح ملی رشد لازم را ندارند؟

چندین دلیل برای سوال فوق می توان بیان کرد. اما مطلب اصلی این است که: صرف نظر از این‌که کدام جناح و کدام فرد بر مسند استانداری بوشهر بنشیند و آیا موفق خواهد بود یا خیر، معضلی اساسی راه را بسته است و آن چیزی نیست جز حاکمیت دوگانه در استان. حاکمیت دوگانه چیست؟

مطابق قوانین بالادستی و پایین دستی، قانون و آیین‌نامه اختیارات استانداران و فرمانداران، بالاترین مقام استان در ابعاد مختلف استاندار است.

اما در استان بوشهر این‌چنین نیست. چرا؟ واضح است که حاکمیت استاندار به دلیل وجود بیش از ۴۷ درصد از درآمد ملی کشور از استان بوشهر و استقرار ده‌ها پتروشیمی و پالایشگاه و اسکله ملی و... در استان تحت‌الشعاع قرار می گیرد.






ساختارهای مستقر به لحاظ قدرت اقتصادی و سیاسی و امنیتی به راحتی حاکمیت استان را نقض می کنند.

به عنوان نمونه:

در عسلویه ، کنگان ، جم و ریز، گناوه، دیلم ، دیر و خارک دهها مدیر نفتی و پالایشگاهی منصوب شده و در رفت و آمد هستند بدون اینکه استاندار ذره ای از حضور آنان مطلع بوده و یا تاثیری در بود و نبود آنها داشته باشد.

در جزیره خارک بخشدار ویژه مستقر است که نماینده عالی دولت و استاندار محسوب می شود و از داشتن اعتبارات لازم برای خرید قند و چای دفترش عاجز است در حالی که مدیران شرکت‌های پایانه‌های نفتی، فلات قاره یا پتروشیمی روزانه میلیون‌ها تومان برای ورزش و غذای پرسنل‌شان هزینه می کنند.

در عسلویه ده‌ها مدیر پتروشیمی داریم که استاندار در طول دوران خدمتش نام مدیران عامل‌شان را نمی‌شنود یا نمی‌داند.

بنابر همین حاکمیت دوگانه؛ هیچگاه استاندار وقت بوشهر نتوانسته حتی برای یک تیم ورزشی اعتبار و مسئولیت اجتماعی کسب کند.

سخن کوتاه کنیم:

تا زمانی که حاکمیت دوگانه‌ی اقتصاد ( پول) – سیاست در این استان حل نشود؛ فرقی ندارد چه کسی استاندار می شود؟ چون استاندار در استان فقط تعدادی پست سیاسی بدون قدرت توزیع می‌کند ولاغیر.

بنابراین هر که می خواهد استاندار بوشهر باشد باید از رییس‌جمهور بخواهد رتق و فتق تمام جریان‌های اقتصادی استان، با حاکمیت استان باشد نه نفت و وزارتخانه‌های سهامدارصنایع.

آن وقت است که سهم استان به دلیل این‌که این مجموعه می‌داند کجا ایستاده است داده خواهد شد.

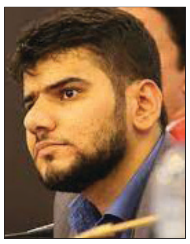
استاندار این استان باید دارای اندیشه اقتصادی پویا باشد. این استان کیف کش سیاسی و خصولتی نمی‌خواهد.

استانداری با مشخصات فوق به شرط حل حاکمیت دوگانه در استان می تواند اشتغال، آموزش، درمان و حمل و نقل را نجات داده و توسعه را به معنای واقعی کلمه پیش ببرد. اصلی‌ترین دلیل را خدمت مخاطبین ارائه نمودیم. بدون شک دلایل قوی دیگری هستند که در این مقال و مجال نمی گنجد.

# بوشهر نیازمند کدام استاندار؟

**حسین صداقت**





توسعه سیاسی و اجتماعی استان بوشهر نیازمند استانداری است که از مجموعه‌ای از مهارت‌ها و ویژگی‌های خاص برخوردار باشد. این استاندار باید درک عمیقی از ساختار سیاسی و اجتماعی استان داشته و با بافت فرهنگی آن کاملاً آشنا باشد. او باید پویایی‌های سیاسی محلی را درک کرده و از تاریخچه سیاسی و اجتماعی استان آگاه باشد.

تعهد به دموکراسی و مشارکت سیاسی از ویژگی‌های کلیدی این استاندار خواهد بود. او باید از آزادی بیان و تشکل‌های سیاسی و مدنی حمایت کرده و مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌های محلی را تشویق کند. برگزاری منظم جلسات گفتگو با نمایندگان گروه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی از وظایف مهم او خواهد بود.

توانایی مدیریت تنش‌های سیاسی و اجتماعی از دیگر مهارت‌های ضروری است. استاندار باید در میانجی‌گری و حل اختلافات بین گروه‌های مختلف مهارت داشته و قادر به ایجاد اجماع و وحدت در میان دیدگاه‌های متفاوت باشد. مدیریت بحران‌های اجتماعی با حداقل تنش و درگیری از وظایف مهم او خواهد بود.

تقویت جامعه مدنی و نهادهای غیردولتی باید در اولویت‌های استاندار قرار گیرد. او باید از تشکیل و فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد حمایت کرده و مشارکت شهروندان در فعالیت‌های داوطلبانه و خیریه را تشویق کند. ایجاد پل ارتباطی بین دولت و نهادهای مدنی از وظایف مهم او خواهد بود.

ترویج عدالت اجتماعی و برابری باید از اهداف اصلی استاندار باشد. او باید برای کاهش شکاف طبقاتی و تبعیض‌های اجتماعی تلاش کند، از حقوق اقلیت‌ها و گروه‌های آسیب‌پذیر حمایت کند و فرصت‌های برابر برای همه شهروندان در زمینه‌های آموزشی و شغلی ایجاد کند.

توسعه فرهنگی و اجتماعی نیز باید مورد توجه ویژه استاندار قرار گیرد. او باید از برنامه‌های فرهنگی و هنری متنوع حمایت کرده، هویت محلی و میراث فرهنگی استان را تقویت کند و گفتگوی بین‌فرهنگی را ترویج دهد.

بهبود خدمات اجتماعی و رفاهی از دیگر وظایف مهم استاندار خواهد بود. او باید برای ارتقای کیفیت خدمات بهداشتی و درمانی، توسعه امکانات آموزشی و تفریحی، و بهبود سیستم حمل و نقل عمومی و زیرساخت‌های شهری تلاش کند.

مبارزه با فساد و ترویج شفافیت باید در اولویت‌های استاندار قرار گیرد. او باید سیستم‌های نظارتی قوی برای جلوگیری از فساد اداری ایجاد کند، شفافیت در تصمیم‌گیری‌ها و هزینه‌کرد بودجه استانی را تضمین کند و از رسانه‌های مستقل و آزادی اطلاعات حمایت کند.

توانمندسازی جوانان و زنان باید از اهداف اصلی استاندار باشد. او باید فرصت‌های مشارکت سیاسی و اجتماعی برای این گروه‌ها ایجاد کند، از کارآفرینی اجتماعی با تمرکز بر آن‌ها حمایت کند و برابری جنسیتی را در تمام سطوح مدیریتی استان ترویج دهد.

توسعه آموزش سیاسی و اجتماعی نیز باید مورد توجه استاندار قرار گیرد. او باید کارگاه‌های آموزشی برای افزایش آگاهی سیاسی شهروندان برگزار کند، از پژوهش‌های علمی در حوزه مسائل اجتماعی و سیاسی استان حمایت کند و فرهنگ گفتگو و تحمل دیدگاه‌های مختلف را ترویج دهد.

مدیریت مهاجرت و تنوع جمعیتی، تقویت حس تعلق و هویت استانی، توسعه رسانه‌های محلی و آزادی مطبوعات، و مدیریت بحران‌های اجتماعی از دیگر حوزه‌هایی هستند که استاندار باید در آن‌ها مهارت و تخصص داشته باشد.

استانداری که از این مجموعه مهارت‌ها و ویژگی‌ها برخوردار باشد، می‌تواند گام‌های موثری در جهت توسعه سیاسی و اجتماعی استان بوشهر بردارد. این امر نه تنها به بهبود کیفیت زندگی شهروندان کمک می‌کند، بلکه می‌تواند استان را به الگویی برای توسعه متوازن و پایدار در سطح ملی تبدیل کند. چنین استانداری قادر خواهد بود با ایجاد تعادل بین نیازهای مختلف جامعه، زمینه را برای پیشرفت همه‌جانبه استان فراهم آورد و بوشهر را به جایگاهی که شایسته آن است در عرصه ملی برساند.

**امام جمعه بوشهر:**

## برگزاری آزمون استخدامی وزارت نفت در خارج از استان بوشهر پذیرفتنی نیست

امام جمعه بوشهر گفت: بتازگی تصمیم بر این شده آزمون‌های استخدامی وزارت نفت در خارج از استان برگزار شود و در شرایطی که استخدام برای صنایع و جوانان این استان است برگزاری آزمون در استانی دیگر پذیرفتنی نیست. به طور طبیعی انتظار می‌رود آزمون جذب نیرو برای جوانان بوشهری در استان خودشان برگزار شود. وزارت نفت باید به‌طور ویژه به بومی گزینی در استخدام نیروها توجه کند و آزمون‌های استخدامی را در استان بوشهر برگزار کند.

# شاخص‌هایی برای انتصاب استاندار آینده بوشهر

مصطفی خرّمی



در دنیای امروز، مدیریت استان‌ها به عنوان یکی از ارکان اساسی توسعه پایدار و بهبود کیفیت زندگی مردم، نیازمند توجه ویژه و انتخاب‌های هوشمندانه است. استان بوشهر، با ویژگی‌های منحصر به فرد فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی خود، به استانداری نیاز دارد که نه تنها توانایی‌های مدیریتی و رهبری لازم را داشته باشد، بلکه با چالش‌های خاص این منطقه آشنا باشد.

در این راستا، وزیر کشور باید با در نظر گرفتن مجموعه‌ای از شاخص‌های کلیدی، فردی را انتخاب کند که بتواند به بهترین نحو ممکن به تحقق اهداف توسعه‌ای استان کمک کند. این شاخص‌ها شامل تجربه مدیریتی، آشنایی با شرایط محلی، توانایی‌های رهبری، برنامه‌ریزی و توسعه، تعهد به خدمت عمومی، همکاری بین‌سازمانی، آشنایی با قوانین و مقررات، نوآوری و خلاقیت، و همچنین باورمندی به سیاست‌ها و راهبردهای دولت مستقر و استفاده حداکثری از جوانان توانمند استان بوشهر است که سبب دلگرمی حامیان دولت مستقر و امیدواری به اصلاحات خواسته شده را به همراه خواهد داشت.

نخستین شاخص، تجربه مدیریتی است. وزیر باید به سابقه کار فرد در سطوح مختلف مدیریتی، به ویژه در سطوح استانی یا ملی، و همچنین توانایی او در مدیریت و نحوه برخورد با بحران‌ها و چالش‌های پیشین توجه کرد. دارا بودن چنین تجربه‌ای نشان‌دهنده قابلیت‌های فرد در مواجهه با مسائل پیچیده و تصمیم‌گیری‌های حیاتی باشد.

دومین شاخص، آشنایی با شرایط محلی است. فرد باید به خوبی با ویژگی‌های فرهنگی، ورزشی، اجتماعی و اقتصادی و محافل و گروه‌های سیاسی استان بوشهر آشنا باشد و توانایی برقراری ارتباط مؤثر با نهادها و سازمان‌های محلی و فعالین سیاسی و اجتماعی را داشته باشد.

استاندار بوشهر باید با تاسیسات نفت و گاز در عسلویه به عنوان پایتخت انرژی ایران، آشنا باشد و بر مسائل پیرامونی آن مسلط باشد. توانایی برقراری ارتباط مؤثر با کشاورزان، صیفی‌کاران و نخل‌داران، آگاهی از صنعت پرورش میگو، فعالیت‌های صیادی و تجاری و زندگی جاشوان، ناخدایان، لنج داران و ... ضرورت دارد.

علاوه بر این، استاندار باید با ظرفیت‌ها و چالش‌های نیروگاه اتمی بوشهر و پایگاه‌های نظامی مستقر در استان و ظرفیت‌های تجاری شهرستان‌های گناوه و دیلم آشنا باشد.

سومین شاخص، توانایی‌های رهبری و دارا بودن کاریزمای لازم است. وزیر باید به توانایی فرد در ایجاد انگیزه و رهبری تیم‌های کاری و همچنین قابلیت او در اتخاذ تصمیمات مؤثر و به موقع توجه داشته باشد. استاندار باید بتواند از تمامی ظرفیت‌های استان برای رسیدن به نتیجه مطلوب استفاده کند.

باید توانایی ایجاد ارتباط و همکاری با سایر سازمان‌ها و نهادهای دولتی و غیردولتی را داشته باشد و همچنین تجربه مدیریت پروژه‌های مشترک را در کارنامه خود دارا باشد، باید فردی انتخاب شود که مدیران محلی از دستورات او به خوبی پیروی کنند و جذبه لازم برای سکانداری استان را داشته باشد.

توانایی برنامه‌ریزیِ توسعه به عنوان چهارمین شاخص: فرد بایدِ توانایی تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه‌ای برای استان را داشته و قابلیت تحلیل و استفاده از داده‌ها برای تصمیم گیری را به صورت موثر به کار بندد.

پنجمین شاخص، تعهد به خدمت عمومی است. وزیر باید به اخلاق حرفه‌ای فرد و روحیه خدمت به مردم و تعهد او به منافع عمومی توجه ویژه‌ای نماید. شفافیت و پاسخگویی در عملکرد و ارتباط موثر با بدنه جامعه نیز از اهمیت بالایی برخوردار است که بایستی از ویژگی‌های بارز استاندار آینده بوشهر باشد و در این راستا بتواند اعتماد عمومی




را جلب کند.

ششمین شاخص، آشنایی با قوانین و مقررات است. فرد باید با قوانین و مقررات مربوط به مدیریت استان و کشور آشنا باشد تا بتواند در چارچوب قانون اقدامات لازم را انجام دهد.

هفتمین شاخص، نوآوری و خلاقیت و ریسک پذیری است فرد باید توانایی ارائه راهکارهای نوین و پذیرش ریسک برای حل مشکلات استان را داشته باشد.

هشتمین شاخص نکته‌ای که نباید از نظر دور داشت، باورمندی به سیاست‌ها و راهبردهای دولت مستقر است. استاندار باید به اصول و اهداف کلان دولت پایبند باشد و توانایی تطبیق سیاست‌های محلی با راهبردهای ملی را داشته باشد.

شاخص نهم: علاوه بر موارد بالا حفظ سرمایه‌های اجتماعی دولت مستقر و رضایتمندی مردم و حامیان دولت نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. استاندار باید بتواند با ایجاد ارتباط مؤثر و اعتمادسازی، رضایت عمومی را جلب کرده و از حمایت‌های اجتماعی و سیاسی برای پیشبرد اهداف توسعه‌ای استان به خوبی بهره‌برداری کند.

استفاده از نیروی جوان و کارآزموده از بدنه حامیان نیز باید در اولویت قرار گیرد. انتخاب افرادی که هم جوان و پرانرژی هستند و هم دارای تجربه و تخصص لازم هستند بدون شک تحول آفرین خواهد بود.

# دیپلماسی گردشگری و ضرورت توسعه ملی

**منصور حاجی پور** – مدرس گردشگری، تشریفات و مذاکره



میزان مبادلات پولی در صنعت گردشگری سالانه صدها میلیارد دلار است. پس کاهش میزان ورود گردشگران تبعات بسیاری داشته و علاوه برازدست رفتن ده‌ها میلیون دلاری که به صورت ارز وارد کشور می شود، باعث از بین رفتن هزاران شغل مرتبط، خالی ماندن هتل ها؛ از رونق افتادن بسیاری از شرکت های گردشگری؛ شرکت های حمل و نقل، رستوران‌ها وحتی سبب افت دیپلماسی فعال درحوزه گردشگری که می‌تواند به روند توسعه ملی کمک کند خواهد شد.

دیپلماسی بر پایه گردشگری

به اعتقاد بسیاری از کارشناسان موفقیت یا شکست صنعت گردشگری در هر کشور به طور مستقیم به اعمال سیاست‌های حمایتی حاکمیت و به تبع آن دولت‌ها باز می‌گردد، به نحوی که هرچه چتر حمایتی دولت نسبت به گردشگری گسترده‌تر باشد، شکوفایی در این بخش هم بیش‌تر خواهد بود.

تجربه چین، ترکیه، مالزی، هند، امارات متحده عربی و ... در سال‌های اخیر حاکی از این بوده که فراهم آوردن زیرساخت‌های مناسب درخصوص گردشگری، رشد اقتصادی و افزایش درآمد ملی را برای این کشورها به و دیعه آورده است. مجموعه عوامل طولی و عرضی سبب گشته تا دولت مردان به پدیده گردشگری به دلیل نقش موثری که می‌تواند در روابط و دیپلماسی ایفا کند، به عنوان یک اهرم بنگرند چرا که این صنعت می‌تواند کشور را از حالت تک محصولی رهایی بخشد.

تاثیر دیپلماسی گردشگری بر اقتصاد، سیاست و فرهنگ

شاید موضوع پذیرش گردشگری و توسعه آن و اجازه ورود به اتباع کشورهای دیگر به واقع آئینه تمام نمایی از سیاست خارجی هر کشور به شمارآید. توجه به این موضوع افزایش تقویت در ابعاد اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی را در پی خواهد داشت. در بعد اقتصادی نیز با توجه به این‌که صنعت گردشگری نسبت به سایر رشته‌های صنعت و خدمات به نظر می‌رسد نیاز کمتری به هزینه و مواد اولیه مصرفی دارد، در نتیجه به طور طبیعی درآمدزایی و رونق اقتصادی و اشتغال‌زایی بالا و در نهایت افزایش تولید ناخالص ملی را به همراه دارد.

دربعد «فرهنگی و اجتماعی» هنگامی که افراد یک منطقه یا ناحیه‌ای مشاهد کنند که گردشگران، نویسندگان و پژوهشگرانی نسبت به پیشینه تاریخی محل آن‌ها کنجکاو هستند علاوه بر تقویت روحی و روانی زمینه بازگشت به هویت و اصالت خویش را پیدا می کنند. از زاویه دیگر هنگامی که گردشگر به منطقه‌ای بیاید جدای از درآمدزایی باعث می شود تا مسئولان در زیباسازی، گردآوری و مرمت آثار و نیز تقویت موزه ها اقدام نموده و شرایط رونق منطقه را فراهم آورند که این عامل خود موجب ارتقاء سطح زندگی و فراهم آوردن زیرساخت‌های اولیه از قبیل آب، برق، تلفن، گاز، امکانات بهداشتی و پزشکی و ... خواهد شد به عبارت دیگر با ورود گردشگر انتظار می‌رود سلسله‌وار مشکلات منطقه رفع می شود.

اصولا دیپلماسی گردشگری خود نیازمند وجود برخی پیش زمینه‌ها و زیرساخت‌ها است که برای رسیدن به آن باید ابتدا این زمینه ها را فراهم کرد و تدارک دید. موارد زیر را می‌توان در این زمینه برشمرد:

**الف) در بعد داخلی**

– توجه به نقش دولت در حوزه بسترسازی برای جذب گردشگر، ضمن کاهش نقش تصدی گری دولت.
– حذف و اصلاح قوانین دست وپا گیر با تاکید بر لزوم تثبیت قوانین
– سرمایه گذاری و زمینه‌سازی برای جذب سرمایه به عنوان اولین قدم برای توسعه
– حمایت‌های ویژه از این صنعت و بهره گیری از توان گردشگری در جهت فقرزدایی
– داشتن یک برنامه کلان و بلند مدت، تعیین اولویت های اصلی
– توسعه شبکه حمل ونقل هوایی، ریلی و جاده‌ای
– گسترش فرهنگ گردشگری به مناطق مختلف کشور
– تعامل سازنده میان همه دستگاه های اجرایی و ذی نفع در امر گردشگری
–معرفی کامل و جامع جاذبه‌های گردشگری کشور در یک برنامه بلندمدت
–توجه ویژه به آموزش گردشگری وگسترش آن در همه سطوح
–نقش بسیار مثبت گردشگری در رشد و توسعه اقتصادی، ایجاد اشتغال و افزایش درآمد و کاهش معضلات ناشی از بیکاری در سطح جامعه.
–ایجاد هماهنگی ساختاری بین نهادهای فرهنگی، اقتصادی و امنیتی
–برگزاری همایش‌های منطقه ای و بین‌المللی برای ارتقاء سطح روابط علمی و بهره‌گیری از دستاوردهای پژوهشی در حوزه گردشگری.

**ب)در بعد خارجی**

–اعتمادسازی دولت در سطح بین‌المللی
–تبیین استراتژی مبتنی بر ارتباطات به جای سیاست قدرت
–ایجاد هماهنگی ساختاری بین نهادهای فرهنگی، اقتصادی و امنیتی
–بهره گیری از گردشگری به عنوان بستر و زمینه‌ساز دیپلماسی
–تلاش دستگاه دیپلماسی برای آسان کردن ورود و خروج به کشور، با لغو و اصلاح قوانین دست و پاگیر ورود به کشور
–لزوم تعدیل برخی نگاه‌های امنیتی با افزایش دقت نهادهای نظارتی و امنیتی و افزایش همکاری با ارگان‌های ذی‌ربط، زمینه ورود گردشگر به کشور را تسهیل کنند
–ضرورت پیگیری لغو روادید با کشورهای مختلف، یکی از مسایلی که زمینه ورود گردشگر به هر کشور را فراهم می کند، لغو تشریفات روادید میان کشورها است.
–لزوم توجه سفارتخانه‌ها برای توسعه بخش گردشگری، سفارتخانه‌ها در کشورهای مختلف باید به بدنه کارشناسی قدرتمند جهت معرفی جاذبه‌ها مجهز شوند.

بنابراین در جهت نیل به اهداف فوق در بخش گردشگری، ضروری است دستگاه دیپلماسی کشور از ظرفیت ها، هنر، علم و مهارت استفاده نموده وگام‌های موثردر تعامل با دنیا برای همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی برداشته شود و با بهره‌گیری از منابع قدرت نرم. جذب گرشگران خارجی را به کشور تسهیل کند.

منابع: رضایی، ناصر، حاجی محمدی، علیرضا، درآمدی بر دیپلماسی گردشگری.

خاطرات فرهاد امینی بازیکن پیشین ایرانجوان و پیشکسوت فوتبال تهران و بوشهر(۴)

# خوش‌شانس بودم که پیراهن ایرانجوان را پوشیدم



نسیم جنوب، تیم ایرانجوان بوشهر در سال ۱۳۵۲
ایستاده از چپ به راست؛ محمد علی اکابریان (سرپرست)، کاپیتان عباس شریفیان، رسول حسن پور، حسین حیدری، داریوش رنجبر، علی جامه دار، حمید اردلان.
نشسته از چپ به راست: نادراقدام، احمدصالحی زاده، ابراهیم نجاتی، محمود قدسی، فرهاد امینی، واهیک مینابیان.

## دردسرهای اجاره کردن خانه مجردی در بوشهر

واقعیت وقتی در شهر بوشهر اسکان یافتیم در همان روزهای نخست و هفته‌های اول و دوم همه هم و غم ما یافتن یک خانه مناسب در موقعیت خوب بود، واهیک مینابیان را با جو حاکم در سال ۱۳۵۲ و مجرد بودن ما، سعی می کردیم نشان ندهیم، فقط و فقط به پرسش صاحبخانه به دو نفریم بسنده می‌کردیم، تقریبا دیگه ناامید شده بودیم و هرجا می‌رفتیم یا ما ایراد داشتیم و یا خانه و کاشانه و نارضایتی صاحبخانه.

تقریبا نزدیک سه هفته بود که در مسافرخانه‌ها و به روایتی هتل‌ها مانند سریال خانه به دوش آقای کاردان جابجا می‌شدیم، که به ما یک منزل پیشنهاد شد درست نزدیک پایگاه سپاه بهداشت روبروی کلانتری سنگی دقیقا پشت مسجد برازجونی‌ها(توحید)، خونه نوساز بود، البته نه آب داشت و نه برق ولی یک چاه آب وسط حیاط و یک سنگ بزرگ مثل سنگ‌های زیرین آسیاب قدیمی‌ها کف حیاط و یک سطل و طناب که خیلی هم جالب بود و ما را بیاد خاطرات بابا بزرگ و مادرجونم می‌انداخت.

در همین هنگام صاحبخونه که یک خانم لاغر بود وارد شد و وقتی معرفی شد، من بلافاصله آن‌قدر احساس خوبی پیدا کردم که مادر صدایش کردم و برق چشمانش و طرز حرف زدنش خیلی به دلم نشست و لحنی ملایم گفتم: «ننه باقر ما هم مثل اولادهای خودت مثه باقر جان، این منزل را به ما دو نفر اجاره بده»، گفت: «باشه ننه، آخه هنوز نه برق داریم نه آب». یک‌دفعه معرف ما گفت: «ننه باقر اینا هردو فوتبالیست هستند، آب و برق را خیلی زود برایشان می کشند».

## شرط ننه باقر برای اجاره دادن اتاق

خلاصه همه چی خوب پیش می‌رفت که من گفتم: «مادرم به جدم قسم وقتی دیدمت قلبم گواه داد که این خونه ما را از مسافرخانه نجات می‌دهد و من و واهیک بالاخره بعد از چند هفته راحت می‌خوابیم»، در یک لحظه چشمم به صورت ننه باقر افتاد که دیدم چنان اخم کرده و قیافه‌اش درهم شد که زهلم رفت، تا آمدم ببینم چه اتفاقی افتاده، که مادر مرا به بیرون خانه در فضای باز برد و با اشاره گفت: «تو سیدی؟» گفتم؟: «آره بخدا پدرم سیداحمد امینی و من...» که نگذاشت ادامه بدهم و با یک حرف بد جلوی ارمنی آورد و گفت: «چه سیدی که با یک ارمنی هم سفره و هم اطاق شدی؟» گفتم: «مادرم ما از تهران برای خدمت آمدیم و با هم هستیم»، ننه باقر مخالف نشست وسرسختانه و با بی‌رحمی جواب‌مان کرد، من هم چنان بهم ریختم که باعصبانیت گفتم: «عباس آقا، واهیک بیا بریم».

خدا شاهده، یک لحظه چشمم به صورت واهیک مینابیان افتاد و دیدم سرخ و تابناگوش قرمزه قرمز شده و سرش را پایین گرفته، از درب حیاط خارج شد. من هم فوری نزدیک شدم و گفتم: «واهیک نه برق داره نه آب، تازه کف حیاط هم شن و ماسه ریختند، ولش کن خدا بزرگ است بریم، ناراحت نشیا» که یک‌دفعه صدای ننه باقر با لحنی متفاوت و این‌بار مهربانانه صداکرد: «آقاسید صبر کن سید فرهاد وایسک کارت دارم»، من هم ته دلم خوشحال شد و گفتم «مادر چی کار داری؟» با اشاره دست مرا فراخواند و آهسته و پشت به بقیه کنار دیوار آرام و یواشکی با صدای مادری گفت: «می‌تونی به دوستت صلوات یاد بدهی، اگر تونست صلوات بفرسته من حرفی ندارم، خونه برای شما،آخه ما هم مسلمانیم تو محل آبرو داریم. اگر تونستی تا ۴۸ ساعت دیگه خونه را برای شما نگاه می‌دارم».

بعد از خداحافظی از ننه باقر، با واهیک رفتیم سمت ساحل، مدتی سکوت و کمی اخم واهیک و سرخ شدن صورتش مرا کمی مضطرب کرد و نمی‌دونستم از کجا آغاز کنم که یهویی واهیک ایستاد و گفت: «من برای خودم ناراحت نیستم چون وقتی با تو به بوشهر آمدم راجع به خیلی چیزها فکر کردم و الان از تو می‌خوام که بهترین راه حل را برای خودت انتخاب کنی».

من گفتم: «واهیک جان تا دلت بخواد تو بوشهر خونه خالی هست و نهایت در یک مسافرخونه خوب زندگی می کنیم. فکرش را نکن خدا بزرگ است».

خدا را شکر دیدم واهیک لبخندی زد و خوشحال شد و با تبسمی شیرین روکرد به من وگفت: «صلوات شما مسلمون‌ها هم خیلی زیاده وگرنه من هم یدونه می گفتم»، شاید این بهترین جرقه‌ای بود که طی چند ماه با واهیک بودن مرا خوشحال کرد و بلافاصله گفتم: «امشب تمرین می‌کنیم دوتایی حتما می‌تونی و بعد می‌ریم پیش ننه باقر تخفیف هم می گیریم»، واهیک چنان خنده‌ای کرد که من با همه وجود از درون خوشحال شدم و دیگه حرف را عوض کردم. فردای آن روز به بهونه‌های مختلف صلوات می‌فرستادیم و واهیک هم تا نصفه راه می‌آمد و بعد کمی اعتراض می کرد و با لهجه شیرین خودش می گفت خیلی زیاده و نصفه دومش را کمی مکث می کرد و من با شلوغ کردن و بلند صلوات فرستادن امیدوارش می کردم.

## اجابت شرط ننه باقر و اجاره کردن اتاق

در نهایت بعد از ۴۸ ساعت در یک بعدازظهر خوب، رفتیم برای آزمون نهایی و قرارداد خونه و ارسال صلوات دوتایی، ننه باقر جدی و برای بخشش خداوند و فرار از گناه و حرفی برای همسایگان به دنبال گرفتن صلوات از ما بود. با دیدن ما، خوشحال شد و زود رفت کلید خونه را آورد و ما هم برای کمی آرامش و رفع استرس و نگرانی و دلشوره واهیک، یک‌بار دیگر اطاق و حیاط و سرویس بهداشتی را بازدید کردیم و در نهایت برای ننه باقر و خانواده‌اش با صدای بلند و هماهنگ دوتایی صلوات فرستادیم و ننه باقر گفت: «مبارک باشه انشالله پسرهای خوبی برای من خواهید بود و من وخانواده‌ام و دامادم در خدمت شما هستیم» و بعد کلید خونه را دست من داد و من اجازه گرفتم تا آینه و یک قرآن را به رسم خودمان بیارم و روی طاقچه قرار دهم. ننه باقر هم با این پیشنهاد خیلی خوشحال شد و رسما ما مستأجر شدیم و ننه باقر صاحبخونه ما و بعد با یک جعبه شیرینی و آینه و قرآن مجدد خدمت رسیدیم و چند روز بعد هم اسکان یافتیم، این خاطره بیاد ماندنی را هرگز فراموش نکردیم و همیشه با عشق و عاشقی و مهرورزی مرور می کنیم.

(بعد از بیست سال که واهیک از آمریکا آمد ایران، من به اتفاق واهیک یک هفته آمدیم بوشهر و به اتفاق به همه جا سر زدیم و یک‌بار هم با کادو به منزل ننه باقر رفتیم و خیلی خوشحال شد).



## خوش‌شانس بودم که پیراهن ایرانجوان را پوشیدم

من زمانی‌که در سال۱۳۵۲ با شرح اتفاقات عدیده‌ای که برایم رخ داد، خیلی با خوش‌شانسی توانستم پیراهن مقدس ایرانجوان را به تن کنم و مهمترین شعار آن زمان را در رختکن ساده و تک اطاقی که رنگی به رخسار نداشت و هنوز گچی بود و اما زینت‌بخش در و دیوارش پر بود از پرچم‌های یادبودی و افتخارآفرین و کاپ‌های زرین و نقره‌ای که بزرگانی پیش‌تر آن‌را کسب کرده بودند و همانا ابهت طرفداران و همدلی و اتحاد و نزدیکی سردمداران و مدیران و سرمربی که در لحظه آماده شدن هم بازیکنان و هم طرفداران یک‌صدا فریاد «علی و یا علی» وسپس «زن طلاق» و «تا به قبر ایرانجوان» را به زبان می‌آوردند، را بیاد دارم و مردانه پای این شعار از جان و مال خویش هزینه کردم تا به قولی که به نیاکان خویش پس از نیم قرن داده بودم، عمل کنم.

هرگز سرنوشتی که به زیبایی برایم در بوشهر رقم خورد را از یاد نبرده‌ام، زیرا بعدها فهمیدم اگر در همان برهه و شاید در همان سال بازیکنان بزرگی چون مروارید سبزه و خوش‌تیپ و خوش‌استایل بوشهری مردی اخلاق‌مدار و دوست‌داشتنی، گلزن و شش دانگ بنام «مندلی برزین» که هنوز جای خالی‌اش در استان و شهر عزیز بوشهر و تیم محبوبم ایرانجوان بوشهر سبزسبز است و بازیکنان دیگری همچون راستیان‌ها و سملیان‌ها و پورچنگی‌ها و اسطوره‌ای بنام عبدالمجید چاهیبخش که به‌خاطر اتفاق تلخ تصادف مجبور به ترک زودهنگام فوتبال شد و مردانی چون عمو درویشی عزیز(ملقب به دلو) سرزن و با تکنیک و مغز متفکر میانه زمین با پاس‌های مینیاتوری و احمد خان حیدری؛ مرد سرعتی که با لقب ایرتاکسی معروف بود و جدا شدن برادران خوش‌فکر و بازی‌ساز و گلزن میرتقوایی و... به احتمال قوی تولد من یک‌بار دیگر در بوشهر با پیراهن خوش‌رنگ ایرانجوان و آرم دوست داشتنی در مستطیل خاک سفید بوشهر اتفاق نمی‌افتاد، من همواره خالق هستی را شاکرم که من با افتخار لیاقت پوشیدن لباس مقدس ایرانجوان بوشهر را پیداکردم و چون یک سرباز جان برکف حتی باتب و لرز ۴۰ درجه حرارت و با مصدومیت و آمپول و دارو در جام تخت جمشید در کرمانشاه بازی کردم و پیروز شدیم و باعث شادی و نشاط هواداران بی‌نظیر شدیم که همگی عاشق مردانی که همواره ما را در تمام شهرها تنها نمی‌گذاشتند، در اهواز و خرمشهر و گیلان و کرمانشاه و شیراز و حتی تهران بزرگ، طرفدارانی که زمان پدر شدن و یا بیماری عزیزان خویش، باز هم با رضایت کامل خانواده، در سفر بودند و یار دوازدهم تیم ایرانجوان بوشهر.

## تیم شش دانگ ایرانجوان

با اضافه شدن من و واهیک مینابیان به تیم ایرانجوان بوشهر، بنا به گفته و نظرات بزرگان و پیشکسوتان تیم به ویژه استاد مجید چاهیبخش و کاپیتان‌های تیم، و با حضور ما در کنار جناب باقرخان شادکامی و عباس‌خان شریفیان و نادرخان اقدام و رسول‌خان حسن‌پور و حاج حمید اردلان، تیم در سه خطوط کامل شد، چون در دروازه هم بزرگانی بودند به مانند داریوش خان رنجبر که بسیار با بازیکنان دیگر همانند برادران قدسی آقا محمود و آقا ماشالله و احمد خان صالحی‌زاده و حاج احمد نظرزاده و حسین خان حیدری و حاج حسین وردیانی و محمدآقا دشتی و آقامصطفی نظرزاده و... هماهنگ بودند و کنار تیم هم جوانان آینده‌داری داشتیم که به موقع با نظر سرمربی کمک می کردند بمانند علیشاه طارمی و آقا سینا و برادران اسعدپور و یک پدیده که در عنفوان جوانی گلزن بزرگسالان ایرانجوان شد، جوانی خاص و متفاوت باشخصیت و کمی خجول بنام آقا مصطفی قنبری که این جوان رعنا و خوشنام را من در زمین دنبال می کردم و تا پیدایش می کردم به لهجه تهرونی صدا می‌زدم، چون بعضی موقع‌ها در شلوغی هجده قدم بین بازیکنان دیده نمی‌شد، چون جثه‌ای کوچک ولی سرعتی بی‌نظیر و قدرت پایی عجیب داشت که وقتی به تیم اضافه می‌شد چون تینو همان بچه محل کوتی، اکثر گل‌های ما را می‌زد.

من کمترین افتخار داشتم در کنار این بزرگان خوشنام و خوش استایل بازی کنم. در بین این عزیزان در کنار بازیکنان ارزشی و باشخصیت چون نادرخان اقدام و عباس‌آقا شریفیان مرد همه فن حریف بازی کردم و همواره با خاطرات خوش این عزیزان روزگار را سپری می کنم و هرگز رابطه‌ام با تیم محبوبم ایرانجوان بوشهر قطع نشده و پس از نیم قرن با همه بزرگان و پیشکسوتان ایرانجوان بوشهر در تماس هستم.

## بازیکنان بزرگی که زود آسمانی شدند

حقیقت تیم ایرانجوان دارای بازیکنان دیگری هم بودند که هریک در پست خودشون بهترین بودند ولی چون خیلی زود ما را ترک کردند و آسمانی شدند، حق است که نام‌شان را با احترام ذکر کنم، علی‌آقا جامه‌دار چپ پای سرعتی که ضرب پایش بسیار زیاد بود و شلیک‌های راه دورش زبانزد. آقا یدالله خراجی گوش راست سرعتی و تکنیکی با شم گلزنی بسیار بالا و مردی آرام و دوست داشتنی، احمدخان پژند مردی لوطی مسلک و دفاعی متعصب و شوت‌زن و با قدرت شوت سهمگین و گلزن، و در مقاطع مختلف و بعد از سال های ۵۲ تا ۵۷ بزرگانی چون محسن خان هاشمی و آقای خداداد برزگر و ابراهیم نجاتی و بهادر مصری و حاج مجید مشایخ و صفر خان ربیانی و حمید خان عالی حسینی و تنی چند که حافظه‌ام یاری نمی کند.

سیدقاسم یاحسینی:

# «زنان تنگستانی»؛ رزمندگان بی‌نشان رئیسعلی دلواری

## اوج استعمارستیزی زنان جنوب در حماسه لرده جلوه کرد

الهام بهروزی: «پایتخت مقاومت» عنوانی است که در سال‌های اخیر به‌دلیل سابقه ۵۰۰ ساله بوشهر در استعمارستیزی و ایستادگی در برابر نیروهای انگلیسی و متهاجم در جریان نهضت رئیسعلی دلواری، جنگ جهانی اول و سال‌های بعد از به این استان داده شده است.

بی‌شک سلحشوری‌ها و دلاورمردی‌های رئیسعلی دلواری و هم‌رزمانش نظیر زائرخضرخان اهرمی، شیخ حسین‌خان چاهکوتاهی، خالوحسین بردخونی، غضنفرالسلطنه دشتستانی و... در شکست مفتضحانه نیروهای متخاصم انگلیسی‌ها، نقطه روشن و افتخارآمیزی در تاریخ ایران است که هرگز از حافظه جمعی مردم این سرزمین زدودنی نیست اما در روایت و تاریخ‌نگاری نهضت رئیسعلی دلواری در جنوب ایران در دوران قاجار، نیمه پنهانی وجود دارد که از قلم تاریخ‌نگاران مذکر آن روزگار افتاده است و تنها تلویحاً در پاره‌ای از موارد در حاشیه‌پردازی‌ها به‌طور خلاصه و مواردی به آن اشاره شده است. این نیمه پنهان تاریخی، همان حضور و نقش‌آفرینی زنان تنگستانی و جنوبی در استعمارستیزی در جریان جنگ جهانی اول و جنبش جنوب است.

این در حالی است که طبق تاریخ شفاهی و به گواه راویان نهضت رئیسعلی دلواری که اکنون بسیاری از آن در قید حیات نیستند و همچنین مورخان معاصر جنوبی، زنان رد پای پررنگی در جریان مقاومت و استعمارستیزی داشته‌اند. به عقیده سیدقاسم حسینی، مورخ جنوبی، «زنان تنگستانی و پشت‌کوهی، رزمندگان بی‌نشان رئیسعلی در جبهه‌های نبرد علیه استعمار انگلیس بوده‌اند که علاوه بر نقشی که داشتند، حتی برخی در سنگرهای نبرد علیه نیروهای انگلیسی مبارزه کرده و مجروح شده‌اند.» این‌ها واقعیت‌هایی است که متاسفانه در متون تاریخی آن دوره نیامده است.

۱۲ شهریور؛ روز ملی مبارزه با استعمار انگلیس را که به‌مناسبت سالروز شهادت رئیسعلی دلواری در تقویم رسمی کشور نامگذاری شده است، بهانه‌ای قرار دادیم تا در گفت‌وگو با سیدقاسم یاحسینی، به واکاوی نقش زنان تنگستانی و دیگر شیرزنان حماسه‌آفرین جنوبی به‌خصوص زنان لرده‌ای در استعمارستیزی و حوزه مقاومت جنوب کشور بپردازیم.

**– چرا با وجود حضور زنان تنگستانی و جنوبی در مبارزات ضداستعماری، کمتر ردی از آن‌ها در کتاب‌های تاریخی و منابع مکتوب دیده می‌شود؟**

بله؛ این یک واقعیت است که منابع ما در باب نقش زنان جنوب ایران و استان امروزی بوشهر بسیار محدود و کم است تا جایی که در مقطعی هیچ سند و مدرکی درباره حضور زنان در جنگ و مقاومت نداریم؛ اما شکی نیست که به‌طور جسته و گریخته در ۵۰۰ سال مقاومت ضداستعماری در استان بوشهر که اختصاصی تاریخ این دیار است، زنان و دختران نیز حضوری هر چند کمرنگ داشته‌اند، اما این‌که چرا این حضور دیده یا پررنگ نشده است؟! واضح‌ترین پاسخ به این سوال، این است که تاریخ‌نگاری ما همواره تاریخ‌نگاری مذکر بوده است و زنان در آن نقش‌های حاشیه‌ای داشته‌اند که آن هم نیز چندان دیده نمی‌شده است.

**–آیا همین مذکرنویسی‌ها و در حاشیه بودن زنان باعث شد که با تمرکز بیشتری به سمت مستندنگاری و تاریخ‌نگاری تاریخ زنان جنوبی به‌ویژه نقش‌آفرینی آن‌ها در جنبش‌ها و مبارزات ضداستعماری بروید؟**

قطعاً. در ۳۰ سال اخیر، یکی از دغدغه‌های فکری و پژوهشی‌ام همین نقش زنان در کنش‌های اجتماعی و مقاومت‌های ضداستعماری بوده است، که در این‌باره مطالبی در حد «هیچ» مربوط به قبل از صفویه پیدا کردم اما خوشبختانه به طور جسته و گریخته اطلاعاتی از دوران زندیه و قاجاریه در باب حضور زنان در تحولات اجتماعی به دست آوردم.

**– آیا با داستان جالبی هم در باب زنان در جریان مقاومت جنوب دست یافتید؟**

بله؛ انصافاً داستان‌های زیبایی در حین کندوکاوهایم در این حوزه به‌دست آوردم. یکی از زیباترین قصه‌ها برمی‌گردد به دومین هجوم انگلیس به بوشهر در سال ۱۸۵۶ میلادی (برابر ۱۲۷۳ قمری) که آن هم رفتار معنادار دختر باقرخان تنگستانی با خواستگارش است. در جنگ ریشهر که احمدخان تنگستانی فرزند باقرخان پس از نبردی قهرمانانه به شهادت رسید، خواهر وی به رسم زمانه لباس کبودرنگ (آبی نیلی) به نشانه عزاداری پوشید و چون محمدخان دشتی در جنگ ریشهر شرکت نکرده بود، این دختر دلیر و وفادار تن به ازدواج با خان بزرگ دشتی نداد و تا آخر عمر مجرد ماند. این رفتار شاید یک رفتار «شخصی» باشد اما به هر حال بازتابی از تحولات تاریخ نظامی و سیاسی جنوب ایران و در مورد ما تنگستان است.

**–قصه‌ای جالب بود! زنان تنگستانی در نهضت رئیسعلی دلواری کنش‌های موثر دیگری هم داشته‌اند؟**

ببینید منابع موجود نشان می‌دهد زنان تنگستانی در خلال سه تا چهار سال مقاومت ضداستعماری در جنوب ایران علیه انگلیس نقش پررنگی ایفا کردند؛ از پخت نان و بسته‌بندی غذا (بیشتر نان و پنیر و خرما) گرفته تا دوختن جامه رزم، پرستاری از مجروحان و بیماران، کمک در پشت جبهه و حتی حضور در صحنه نبرد و سنگر.

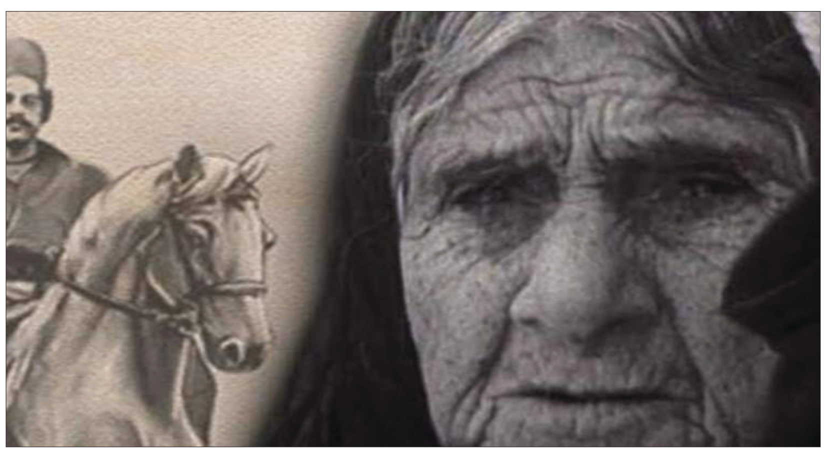
بر اساس مطالعات متاخر، زنان تنگستانی و پشت‌کوهی در خلال نهضت رئیسعلی دلواری عهده‌دار لجستیک و تدارکات بودند و از روستاهایی نظیر «تنگ زرد» و... برای رزمندگان درگیر نبرد با انگلیس، نان تیری، خرما، پنیر و... تهیه کرده و از طریق مردانشان و در موارد نادری خودشان از روستا به پشت جبهه ارسال می‌کردند؛ تاریخی کاملاً ناشناخته و حتی بدون نام هیچ زنی!

همچنین من در کتاب‌های خودم و آقای مرتضی کرمی در «زنان تنگستانش» آورده‌ایم که زنان در جنگ دلوار نه تنها قطارهای فشنگ‌های مجاهدان را پر می‌کردند و به مجروحان می‌رسیدند، بلکه چند نفر از آن‌ها دوشادوش رئیسعلی دلواری در سنگر نبرد با نیروهای مهاجم انگلیس درگیر شده، حتی اخیراً از پیرمردی شنیدم که یکی از آن‌ها از ناحیه شانه تیر خورده و زخمی می‌شود. افزون بر این، یکی از زنان شجاع دلواری با اسب بین سنگر مجاهدان و اردوگاه زنان و بچه‌ها که در منطقه «بوجیکا»ی فعلی واقع شده بود، در رفت و آمد بوده، پیام‌های رئیسعلی دلواری را به زنان می‌رسانده است. در همین باب، آقای احمدی، دوست هنرمندم نمایشنامه بسیار جذابی در این‌باره نوشت که اجرای آن در بوشهر و دلوار با استقبال خوبی مواجه شد.



**–به‌جز دلوار، در مناطق دیگری که سرداران جنوبی در حال جنگ علیه امپریالیسم انگلیس بودند، زنان نقشی را پذیرا بوده‌اند؟**

بله؛ در جنگ هولناک نیروهای تنگستانی با انگلیس در منطقه «کوه کُوزی» ما شاهد حضور زنان پا برهنه‌ای هستیم که برای شوهران و برادرانشان آبرسانی کرده و اجساد پرشمار شهدا را به پشت صحنه منتقل می‌کردند؛ اما به باور من، اوج حضور زنان در نهضت ضداستعماری جنوب ایران در آخرین روزهای جنگ جهانی اول، در کوه‌های گیسکان و روستای لرده خودنمایی می‌کند. جایی که ۱۰ زن قهرمان که خوشبختانه نام آنان برای اولین بار در کتاب زنده‌یاد سروش اتابک‌زاده آمده است (همسر رئیس حسن، مادر مشهدی علی لرده‌ای، همسر رئیس ملک، مادر حاجی و فرهاد (که در جریان مبارزه شهید شدند)، خواهر حاجی و فرهاد، همسر کربلایی علی، مادر حسین لرده‌ای، خواهر کربلایی نظام لرده‌ای و همسر رئیس غلامعلی) تفنگ بر دست گرفته و در جنگ نابرابر و قهرمانانه ده‌ها نفر را از سربازان هندی و انگلیسی به خاک و خون کشیدند و کارنامه‌ای آفریدند که امروزه به حماسه زنان لرده مشهور شده است.



**– حماسه زنان لرده اما با همه اهمیتی که دارد، همچنان در متون تاریخی ما چنان‌که باید و شاید با نگاهی موشکافانه برای نسل امروز به ویژه زنان و دختران امروزی بازنمایی نشده است؟ چرا؟**

تا حدودی در یکی دو دهه کنونی آثاری در این زمینه پدید آمده است. خود من هم در ۲۰ سال اخیر در یکی دو اثر به این نبرد پرداخته‌ام اما بهار امسال خوشبختانه فرصتی دست داد تا با نگاهی همه‌جانبه و انتقادی، ابعاد مختلف این نبرد تاریخی را بررسی کرده و کتابی به نام «نبرد لرده» بنگارم که امیدوارم در نیمه دوم سال جاری به حله طبع آراسته گردد.

**رمز پیروزی ۱۰ زن لرده‌ای در کوه‌های گیسکان در برابر نیروهای انبوه و چندین برابری انگلیسی را در چه می‌دانید؟**

بی‌شک زیرکی، شجاعت و توکل این زنان را رمز پیروزی آن‌ها می‌دانم. در خلال نبرد، روایت شده که برخی از زنان لرده‌ای برای ایجاد رعب و وحشت میان نیروهای مهاجم انگلیسی در فضای کوهستان با صدای بلند «کل» می‌زدند که در واقع نوع ابتدایی «جنگ روانی» به شمار می‌رود. ای بسا همین کل‌زدن‌های زنان رعب در میان سپاه خصم انداخته باشد. در این میان دختر نوجوان ۱۵، ۱۶ ساله‌ای به نام «جهان» به تنهایی و فقط با یک تکه سنگ مغز دو سرباز مهاجم انگلیسی را متلاشی کرده و تفنگ‌های آن‌ها را گرفته و به سوی سپاه خصم شروع به تیراندازی کرده است. جالب آن‌که قبر این زن در حال حاضر در قبرستان عمومی برازجان واقع شده است و تنها قبری است که ما از آن زنان قهرمان سراغ داریم (جا دارد که مسئولان بوشهری و دشتستانی مقبره این زن قهرمان را که در خلال سال‌های ۱۳۵۲ به بعد فوت کرده، مورد توجه قرار داده و به‌عنوان نماد زنان قهرمان لرده بازسازی و نمادسازی کنند، بسان همان کار پسندیده‌ای که در زمینه بازسازی مقبره شهدای جنگ تحمیل کرده‌اند.

**–روایت شده که شیرزنان جنوبی ظاهراً علاوه بر حماسه‌آفرینی در نهضت رئیسعلی دلواری و جنگ جهانی اول، در جنبش‌های دیگری هم حضور داشتند؟**

به نکته خوبی اشاره کردید. به گزارش مورخان و بر اساس مطالعات اخیری که به همت یکی از محققان غربی انجام شده، زنان بوشهری در شورش‌ها و جنبش‌های اجتماعی بوشهر نقشی پررنگ ایفا کرده‌اند؛ اما چنان‌که باید و شاید مورخان محلی به آن چندان توجه نکردند، از جمله آن‌ها می‌توان به حضور زنان در شورش نان در بوشهر و همچنین نقش‌آفرینی آن‌ها در پشتیبانی از شوهرانشان در ماجرای تاسیس گمرکات نوین در بوشهر از سوی بلژیکی‌ها اشاره کرد. این در حالی است که در آن دوران ساختار مردسالارانه چنان متصلب بود که اگر طبیبی مرد می‌خواست بر بالین زن بیماری حضور پیدا و او را معاینه کند، با واکنش خصمانه روبه‌رو می‌شد.

**–زنان این دیار در دوران انقلاب و سال‌های دفاع مقدس هم با مقاومت و زیستن در زیر بمباران دشمن باز نقش‌آفرینی کردند، این‌گونه نیست؟**

البته همین‌طور است. ما در خلال انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی چندین زن شهید داریم. این‌جا لازم است که به نقش تازه‌ای از زنان در حوزه مقاومت اشاره کنم که شامل ایمان قوی آن‌ها می‌شود. در سال‌های دفاع مقدس که خبرنگار یکی از نشریات کشوری بودم، در بوشهر به هنگام اعزام نیروها به جبهه، کمک‌های مردمی و استقبال از پیکر شهدای جبهه‌های نبرد، شاهد صحنه‌های تکان‌دهنده‌ای بودم که باید وقت کرده و این‌ها را برای ثبت در صحنه‌های تاریخ بنویسم. خواهران و زنان شهید چندی را سراغ دارم که هنگام شنیدن خبر شهادت برادر یا شوهران‌شان نماز شکر خوانده و شیرینی پخش می‌کردند. مادری سراغ دارم که سه فرزندش شهید شد و افسوس می‌خورد ای کاش چهار پسر داشت تا آن را نیز فدای ایران می‌کرد. همچنین دلیرزنی را می‌شناسم که با دستان لرزان خودش پیکر پاره پاره فرزندش را در دل خاک گذاشت و تنها خواسته‌ای که از فرزند خود داشت، شفاعت در روز جزا بود. این روحیه را در کمتر زنی می‌توان دید، ولی من در دوران جنگ در زنان آزاده جنوبی با چشمان خود دیدم./ (ایبنا)



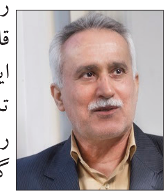

صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف‌پور
مدیر مسئول و سردبیر: دکتر یونس قیصی‌زاده
دبیر هیئت تحریریه: نسیم فقیه
نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه بوستان ۳۰.
دفتر نسیم جنوب - تلفن: ۳۳۳۲۵۹۰۰ - ۰۷۷
تلفن همراه و واتساپ: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
لیتوگرافی و چاپ: بهارستان

nasimjonoub.com
نسیم جنوب
هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

هفته نامه نسیم جنوب
دیرپاترین نشریه تاریخ بوشهر
تلفن های تماس
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷۳۳۳۲۸۱۵۱ - ۰۷۷۳۳۳۲۵۹۰۰
www.nasimjonoub.com

## جناب رئیس‌جمهور، رانت را ریشه کن کنید

**دکتر امان الله شجاعی**



ریشه رانت در گریزگاه‌های قانونی است.
این گریزگاه‌ها در تمام جاهایی است که رانت‌دهندگان و رانت گیرندگان به اعتبار و به پشتیبانی افراد ذی‌نفوذ در حال بده و بستانند.
رانت دهندگان را همین ذی‌نفوذان انتخاب کرده‌اند و رانت‌گیرندگان نیز، انتخاب شده و فرمانبر همین ذی‌نفوذانند.
این ذی‌نفوذان که ممکن است به صورت رسمی در قدرت باشند و یا نباشند، توان انتصاب و یا عزل افراد مورد نظر را با یک اشاره دارا می‌باشند.
منظور آن است که ذی‌نفوذان، بر رانت بگیران و رانت دهندگان سروری می کنند.
پر واضح است که این رانت دهندگان نه بر اساس «مهارت» که بر اساس «ارادت» و تخصص ویژه در اطاعت و قانون شکنی به این جا رسیده‌اند.
در نتیجه، با این ارادتمندان رانت دهنده‌ای که قلم‌های طلایی در دست دارند، امکان جلوگیری از اختلاس را ندارید. بلکه تنها راه بستن مسیر نفوذ قانون شکنانی است که ظاهر موجهی دارند ولی در حقیقت ریشه انجام رانت و اختلاسند.
این جانب به این باورم که قاعده‌مند کردن امور مملکتی زمانی ممکن است که با اصلاح ساختارها و جدیت در مبارزه با این افراد سودجو، از افراد خوشنام و خوش سابقه استفاده نمایید و همچنین، روزنامه‌ها برای افشای به موقع رفتارهای نادرست، آزاد گذاشته شوند.

در سوگ پرهام هوشمند هنرمند جوان دیّری

# پرواز هنرمند و تکریم دوستداران هنر در شهر دیّر



ابراهیم دانش: کمتر کسی است که با هنر عکس، عکاسی و فیلم سرکار داشته باشد و «پرهام هوشمند» را نشناسد، گرچه خبر تاثربرانگیز آسمانی شدنش، یک شوک وحشتناکی بود بر بدنه رسانه و هنرمندان، ولی تقدیر را نمی‌شود تغییر داد و می‌باید تسلیم امر دوست بود.
در اوج گرما و شرجی، شهر بندر دیر، بار دیگر، از اقصی نقاط کشور و استان بوشهر، چهره‌های هنرمندانی را مشاهده نمود که آمده بودند تا در آخرین وداع با پرهام، بگویند: «پرهام دوست داشتنی، هنرمندیت را ارج می نهیم».
جلوه و شکوه تشیع جنازه بی‌نظیر جوان دوست داشتنی؛ پرهام هوشمند، و مشارکت عامه مردم، خاصه دوستداران هنر از ترافیک چند کیلومتری خودرویی در مسیر شهر تا آرامگاه و جمعیت چند ده هزار نفری، در اوج گرما و شرجی، و مراسم سنتی سنج و دمام و چشمان گریان، مشایعت کنندگان و صدها سوژه خبری دیگر در آن روز، بیانگر علاقمندی دوست داران هنر و هنرمندان بود که برایم این نکته روشن نمود که بقول جناب حسن غلامی، که در زمان تدفین پرهام گفت: بیاییم تا زنده هستیم قدر همدیگر بدانیم و تا زنده هستیم به هنرمندان‌مان ارج و قرب دهیم.
پرهام هوشمند رفت و با رفتنش ما را از وجود خود محروم نمود، ولی ای کاش این تکریم و تواضع‌ها، در زمان حیات هنرمندان و اصحاب رسانه برگزار شود. باز هم تسلیت به خانواده و بازماندگان پرهام جان روحش شاد، نامش ماناً، پردیس حضرت دوست مأوایش

## آقای عکاس سلام، کجا با این عجله.....

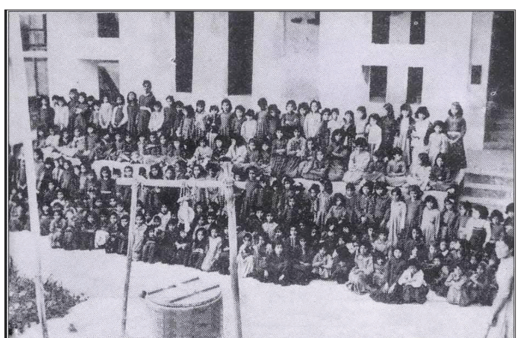
**برای پرهام و همه هوشمندی‌هایش**

**حسن مختارزاده**



حسن مختارزاده: پیرمرد گرگوری گفت نیامد و صدف دریایی گفت قول داده بود که بیاید و نیامد و پری دریایی آهی کشید تند گفت قرار بود که بیاید نیامد، و روز، شب شد و شب، روز شد، برهنه پای کوچکی برهنه پاهایی کوچک ساحل خشک مانده را از عشق را دوید، دویدند، کودکی گفت روز هم تمام شد نیامد، زیره بندری اسپندی برآتش ریخت که بیاید، نیامد، اسپندی برآتش دل پشنگه زد، دریا غناهشتی کرد، هزار هزار ماهی، هزا رهزار شالو، هزار لیخ هراسان مانده برآب، غناهشتی که لرزید، لرزاند، نیامد، قول داده بود که بیاید، قول داده بود که بیاید، نیامد، و حالا یک دشت گمپل و اوکال شکل گرفته و عزادار، یک نخل خارک و رطب خشک مانده بلندای بار و یک سبخ سنگ و سنگ‌ریزه بی‌خاطی، یک کودک... . حالا دیگر قریه ای در انتظار می کشد، بویه‌های دریایی سو سو می‌کنند و نیست، نیامده است، و هزار چشم در انتظار، هزار هزار چشم در انتظار که بیاید، بیاید، قدم زنان، با شیرین لبخند همیشگی اش برلب، بیاید آقای عکاسی که لابه لابلای تش بادهای جنوبی، بیاید لابه لای ابرهایی که سیل آسا بارش داشت و او عشق را بر دوش به مهمانی دوست می‌برد، و قریه مانده است چشم انتظار، پیرزن بندری پنگ‌های خشکیده را به تنور کشاند، شعله‌ای هوره کشید، کسی کلی کشید تند، و کسی جیغی کشید تندتر، پیرزن بندری گفت این قریه همیشه عزادار است.

# تاسیس نخستین مدرسه دخترانه در بندر بوشهر


شاگردان مدرسه معینی بوشهر

**امید زاهد** : در اواخر دوره قاجار تاسیس مدارس دخترانه با محدودیت‌هایی روبرو بود. به نوشته مطبوعات صد سال پیش حتی در بیشتر کشورها، ابتدا برخی ملانماها نمی‌گذاشتند و تحصیل دختر را حرام می‌گفتند. در ایران نیز اشکال تراشی می‌کردند و هنوز در بندر بوشهر مدرسه دخترانه باز نشده بود.
برای نخستین بار رییس معارف بنادر «شیخ محمد حسین سعادت» درصدد برآمد تا برای دختران بوشهری مدرسه‌ای بنیان گذارد. با حمایت تجار بوشهری اثاثیه مدرسه خریداری گردید. یاور علی اصغرخان (رییس گردان بنادر) در جمع‌آوری کمک‌ها و نیز تاسیس مدرسه تلاش‌های فراوانی از خود نشان داد.
شیخ محمد حسین سعادت رییس وقت معارف، احتیاج اهالی را بداشتن یک مدرسه دخترانه حس کرد و اهالی را راغب و مایل دید، بدون تصور هیچگونه مانعی در صدد برآمد که با یاری جمعی از معارف پروران و دارندگان لوازم و اثاثیه مدرسه دخترانه را تهیه کند و مدرسه را تاسیس نماید. صورتی نوشته شد و عده ای از اشخاص به ترتیب ذیل اعانه دادند.
اسامی افراد: حاج سید محمدرضا تاجر کازرونی نقد ۱۰۰ تومان، ماهیانه ۳ تومان، آقا میرزا حسنعلی گلشن نقد ۱۰۰ تومان، حاج محمد باقر[بهبهانی] نقد ۱۰۰ ماهیانه ۳ تومان، حکیم الممالک نقد ۱۰ تومان، ماهیانه ۲ تومان، معاضد السلطان نقد ۵ تومان، ماهیانه ۱ تومان، کریم نقد ۳ تومان، ماهیانه ۱ تومان، حاج محمد رضا نقد ۵۰ تومان، ماهیانه ۲ تومان، آقا محمد علی کمپانی نقد ۲۰ تومان، ماهیانه ۲ تومان، آقا عبدالحسین مشلش نقد ۵ تومان، ماهیانه ۲ تومان، آقا سید حسین بهبهانی[بلدیه] نقد ۳۰ تومان، ماهیانه ۲ تومان، حاج رییس التجار نقد ۱۰۰ تومان، ماهیانه ۳ تومان، آقا محمد علی مشلش نقد ۱۰ تومان، خلیل دشتی نقد ۱۰ تومان، ابراهیم کاپیتان جهاز مظفری نقد ۵ تومان، حکمران نقد ۱۵ تومان، ماهیانه ۲ تومان.
وقتی این مبلغ فراهم شد اثاثیه را تدارک دیدند. همین که مدرسه خواست رسما مفتوح شود یکباره دو سه نفر ... برای جلب خاطر معدودی عوام فریب فریاد وا اسلاما را بلند کردند. علم و تربیت و تهذیب اخلاق دخترها را منافی با شرع و دیانتی که اساس بر روی معارف است... با قیل و قال نگذاشتند مدرسه مفتوح شود.
سرانجام دبستان با نام بنات نسوان سال ۱۳۰۲ خورشیدی تاسیس شد. دبستان در ساختمان اهدایی معین‌التجار بوشهری به اداره فرهنگ، با مدیریت خانم ملاباجی کار خود را شروع کرد که در کنار مسجد شیخ سعدون در محله کوتی قرار داشت.

## تمام شدن سریع بلیط کنسرت موسیقی بوشهر در برج میلاد



**بهمن بابازاده:** خوب ظاهراً ما زنده ماندیم و دیدیم که این تیتر برای یک کنسرت موسیقی نواحی هم استفاده شد. بله، این یک کنسرت خواننده پاپ یا مشاهیر موسیقی ایرانی نیست.
این کنسرت محسن شریفیان (گروه لیان) در برج میلاد است که امروز در ۱۵ دقیقه تمام بلیت هایش به فروش رفت...
کنسرت گروه لیان محسن شریفیان در هفتم مهر در برج میلاد برگزار می‌شود.

## انتخاب خبرنگار جوان بوشهری به عنوان بهترین مدیر رسانه



امیر حسین صالحی‌زاده (ایرانجوان بوشهر) خبرنگار جوان بوشهری از نگاه کارشناسان به عنوان بهترین مدیر رسانه فصل ۱۴۰۲-۱۴۰۳ لیگ سه فوتبال انتخاب شد.
صالحی خبرنگار ۱۸ ساله اهل بوشهر، مدیر رسانه باشگاه ایرانجوان بوشهر می باشد. وی فعالیت رسانه‌ای خود را از سال ۱۴۰۱ آغاز کرده و سابقه فعالیت در پست مدیریت رسانه تیم فوتبال رسانه ورزش، باشگاه دریانوردان بوشهر در لیگ برتر فوتبال ساحلی و باشگاه ایرانیان بوشهر را در کارنامه دارد. صالحی‌زاده هم اکنون عضو روابط عمومی هیئت فوتبال استان و شهرستان بوشهر نیز می‌باشد.